

# طالبان و سیاست زمین سوخته

حاکم بر کابل بر ۱۵ درصد باقی خاک افغانستان است که در حال حاضر زیر نظر نیروهای ائتلاف اپوزیسیون اداره می شود. طالبان که می دانست در جلسه مهرماه اجلاس عمومی سازمان ملل در مورد وضعیت این کشور و سرنویشت کرسی نمایندگی افغانستان در سازمان ملل بحث خواهد شد، سعی کرد با بیرون راندن نیروهای اپوزیسیون از مناطق شمالی کشور، عملاً خود را تنها آلترناتیو موجود معرفی کند. اما حقیقت اینست که مردم افغانستان به طور فزاینده ای به مقاومت در مقابل سیاست های سرکوبگرانه و غیر انسانی طالبان بر می خیزند. رسانه های گروهی از مقاومت یکپارچه اپوزیسیون در مقابل ارتش طالبان و عقب راندن موج اول تهاجم و پس گرفتن مواضع از دست داده در جلگه شمالی

هجوم وحشیانه نیروهای طالبان برای گستردن حکومت ترور و وحشت به مناطق شمالی افغانستان، که از اوایل مرداد ماه آغاز شده بود، می رود که به فاجعه ای انسانی منتهی گردد. به گزارش منابع رسمی سازمان ملل و نیز رسانه های جمعی، ده ها هزار افغان به اردوگاه های پناهندگان رانده شده اند. زنان و کودکان قربانیان اصلی این موج جدید ترور طالبان اند. در حالی که هوا رو به سردی می رود و زمستان سخت افغانستان در راه است، پناهندگان از همه گونه امکانات زندگی محرومند. تهاجم طالبان که مرحله اول آن درست یک هفته پس از اجلاس صلح به اصطلاح گروه «شش به علاوه دو» با شرکت افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ایران، چین، روسیه و ایالات متحده که با دستور کار یافتن راه حل صلح آمیز و سیاسی برای فاجعه افغانستان در تاشکند پایتخت ازبکستان منعقد شد، صورت گرفت، متوجه گستردن کنترل بنیادگرایان

ادامه در صفحه ۸

نامه  
مردم  
آرکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۸، دوره هشتم  
سال شانزدهم، ۲۰ مهرماه ۱۳۷۸

## پیکار کارگران و زحمتکشان ادامه دارد

جنبش کارگری - سندیکایی مجرب میهن ما، به مبارزه پیگیرانه خود در بطن تحولات پرشتاب جامعه ادامه می دهد. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، با بهره گیری از همه گونه امکانات در مراکز تولیدی و صنعتی و خدماتی کشور، رژیم ولایت فقیه را در برابر چالشی بزرگ و جدی قرار داده اند، و همین امر هراس و نگرانی ژرف آنها را برانگیخته است. اعتراضات متعدد به اشکال گوناگون طی چند ماه گذشته، در بیشتر مناطق کارگری، در جریان بوده است، ابعاد رو به گسترش این اعتراضات در سال جاری و تنوع اشکال مبارزاتی به نوبه خود نشانگر رشد

در صفحه ۴

## به یاد مرتضی راوندی

در صفحه ۵

## در این شماره

- اجلاس «علما» در قم در ص ۲
- رسالت تاریخی روحانیت در ص ۲
- مفاد قرار داد نفت و گاز در ص ۳

## مانورهای «مصلحانه» ولی فقیه و ضرورت هوشیاری جنبش مردمی

پیش بینی سازمان دهندگان آن، بازتاب بسیار منفی و گسترده ای را در جامعه به همراه داشت، و توجه مردم را بیش از پیش به این موضوع جلب کرد که استبداد و ارتجاع حاکم آماده است تا به هرجنایتی برای حفظ خود دست بزنند. افزون بر این، یورش مستقیم و آشکار نیروهای «ذوب در ولایت» به شخص خاتمی و دولت او نیز این نظریه را تقویت کرد که، با تشدید بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تحمل ادامه وضع موجود و حفظ دولت کنونی نیز برای نیروهای مدافع سرکوب آشکار، خشن و خونین جنبش توده ای بیش از پیش دشوار می گردد. شورای عمومی انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های تهران، در ارزیابی همین وقایع، از جمله به این نتیجه روشن می رسد که: «افراطیون با حمله به دیدگاه خاتمی در مورد به رسمیت شناختن قرائت های مختلف از دین، از هفته ها پیش هدف نهایی خود را که حذف خاتمی است بیان نموده اند» (روزنامه اخبار اقتصاد، چهارشنبه، ۷ مهرماه ۱۳۷۸). سازمان «مجاهدین انقلاب اسلامی» نیز با انتشار بیانیه ای در این زمینه، ضمن خطرناک دانستن اوضاع و تحولات کشور، و خصوصاً حمله آشکار «جامعه روحانیت مبارز» به خاتمی و متهم کردن او به «چراغ سبز نشان دادن به دشمنان»، می نویسد: «اگر حزب جامعه روحانیت مبارز قصد دارد به این روش ادامه

ادامه در صفحه ۶

در پی جو سازی تبلیغاتی نیروهای ارتجاعی و واپس گرا پیرامون «توهین به امام زمان» در نشریه «موج»، و سپس دامن زدن به هیستری «دفاع از مقدسات»، و تهدید چاقو کشان و سرقداره بندان رژیم، همچون سردار تقدی، برای کشتار دگراندیشان، فضای ملتهب جامعه، که هنوز در پی سرکوب خونین قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه آرام نشده بود، باردیگر شدت بحرانی و متشنج شد. نامه تهدید آمیز «جامعه روحانیت مبارز»، که در آن دولت و شخص خاتمی، رئیس جمهوری شدت مورد حمله قرار گرفته بودند، از یک سو و سخنان تحریک کننده گماشتگان مرتجع هم چون جنتی، مصباح یزدی، طیبی و دیگران در نماز جمعه تهران و دیگر شهرهای ایران، اوضاع را به این سمت می راند که «مسلمانان غیور و تحریک» شده راساً دست به اقدام زده و ایران را از وجود «مهاجمان فرهنگی» و «ضد اسلامی» پاک کنند. هدف از این حرکت، پس از سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی در ۱۸ تیرماه روشن بود. ارتجاع هراسناک از بازگشایی مجدد دانشگاه ها و ادامه یافتن مبارزات دانشجویی مترصد بود آن چنان فضایی از رعب و اختناق را در کشور ایجاد کند که کسی جرئت هیچ گونه مخالفتی را به خود ندهد. یورش سازمان یافته ارتجاع و تهدید آشکار به کشتار دگراندیشان و سرکوب آزادی، برخلاف

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



### اجلاس «علما در قم»

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، دوشنبه ۱۹ مهرماه ۷۸، نشست اخیر محمد رضا مهدوی کنی و مهدی کروبی، دبیران جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز در قم، بازتاب وسیعی در رسانه های کشور داشت. این نشست در پی تغییراتی در اساتنام و مرامنامه «جامعه مدرسین حوزه علمیه» و این شایعه که شماری از نمایندگان «جناح چپ» قرار است به «جامعه مدرسین» اضافه شوند، برگزار شد. بر اساس همین گزارش، علی معلمی، نماینده قایم شهر، در مصاحبه ای با این روزنامه درباره این نشست از جمله گفت: «کشمکش های اخیر جناح های مؤمن و طرفدار اسلام و انقلاب در طول یک سال اخیر زمینه و فرصتی برای عرض اندام دگراندیشان در صحنه تبلیغاتی و فرهنگ سیاسی کشور فراهم آورد و بیانات روشنگر و هشدار دهنده رهبری تلنگری برای این گونه نیروهای مؤمن و علاقمند به آرمان های امام بود که یک بار دیگر به خود آیند زیرا در هر دو جناح نیروهای مبارز و مخلص فراوان وجود دارد. مثلاً جنابان کروبی و مهدوی کنی از یاران قدیمی امام و انقلاب هستند.» معلمی در پاسخ به محتوی مذاکرات صورت گرفته ضمن اشاره به اینکه درباره مسایل گوناگون از جمله انتخابات ششمین دوره مجلس رایزنی صورت گرفته است، افزود: «قطعا این مذاکره صورت گرفته که مجلس ششم از هر جناح و گروهی که تشکیل می شود از افراد وفادار به اسلام و انقلاب باشند.»

معلمی در این گفت و گو همچنین از تغییر مواضع تاکتیکی نیروهای مدافع استبداد و ذوب در ولایت پرده برداشت و گفت: «با تحولاتی که اخیراً بوجود آمده است جناح راست و علمای بزرگ حوزه علمیه قم به این نتیجه رسیده اند که هرچه بیشتر باید به جناح چپ توجه کنند. تا در جریان این وحدت چهره دگراندیشان و فرصت طلبان مشخص شود.» معلمی رشد نهضت آزادی را به دلیل بهره گیری از مشروعیت جناح چپ دانست و گفت اگر جناح راست به جناح چپ نزدیک نشود فرصت طلبان در موقع مقتضی ضربه های سنگین به انقلاب خواهند زد.» آل کاظمی، نماینده سلسله و دلفان، نیز در مورد اجلاس قم گفت: «موضع گیری اخیر رهبری در حمایت از ریاست جمهوری و

تأیید شخصیت دینی و مذهبی ایشان فرصت حمله جناح ها به ایشان را از آنها گرفته است و جناح رقیب احساس می کند نسبت به ریاست جمهوری تندروی کرده است. ظاهراً دو جناح قصد دارند در آستانه انتخابات مجلس ششم با وحدت و همدلی حرکت کنند.»

### رسالت تاریخی روحانیت و نگرانی از دست رفتن اسلام

روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۸ مهرماه ۷۸، در سرمقاله خود با عنوان «روحانیت و گروه های سیاسی» ضمن ارزیابی اوضاع شدت بحرانی کشور به بررسی نقش روحانیت پرداخته و از جمله می نویسد: «آنها که ادعا می کنند عالمان دینی از قداست برخوردار نیستند و یا آنکه برداشت از دین را فاقد تقدس می دانند، دانسته یا از روی نادانی، از اصل دین تقدس زدایی می کنند. آنها اگر روحانیت را هدف گرفته اند، نتیجه اش را در اضمحلال دین خواهند یافت و این همان چیزی است که دشمنان بشریت مدتهاست در پی آنند. روحانیت، که انقلاب اسلامی ایران به پیشوایی آن ثمر بخشید، امروز در برابر یک آزمون تاریخی قرار دارد. یا باید به تکلیف خود عمل کند و اساس اسلام را حفظ کند یا باید برای خوش آمد فلان قدرت و حکومت قرائتی نو! از اسلام ارائه کند یا قرائت های دیگران را بپذیرد. شاکله روحانیت نشان می دهد که بخش قریب به اتفاق آن، دین را به دنیای دیگران نمی فروشد و پاسداری از دین را به هر قیمتی می پذیرد و مرعوب جو سازی کسانی که پایمردی بر ارزش های مذهبی را «استفاده ابزاری از دین» می خوانند نمی گردد. آنچه روحانیت را حیات و قداست بخشیده صرفاً به اعتبار حیات و قداست بخشیدن به دین است و اگر روحانیت از این اصل دست بردارد، هیچ تفاوتی با گروه های سیاسی که نهایت آرزوشان تصاحب چند کرسی قدرت است، نخواهد داشت. آنچه طی روزهای گذشته در قم اتفاق افتاد حاکی از آن است که روحانیت اصیل، فارغ از گرایش های سیاسی، نگران از دست رفتن اساس اسلام است و اختلاف بین روحانیون می تواند دست دشمنان دین را باز بگذارد. صنف روحانی به مقوله قدرت سیاسی به عنوان هدف نمی نگرد، اما آن را ابزار موثر برای حفظ اصل دین می داند. وحدت حول این محور می تواند سلیقه ها را به هم نزدیک کند.»

### رفسنجانی نمی آید!

روزنامه «صبح امروز»، شماره یکشنبه ۱۸ مهرماه ۷۸، سخنان محمد رضا باهنر، از چهره های منفور جناح «ذوب در ولایت» را در دانشگاه «امام صادق» منتشر کرده است که از جمله درباره مانورهای رفسنجانی در آن گفته شده: «آقای هاشمی رفسنجانی از مجموعه دوستان ما فایده می برد اما برای ما هزینه نمی کند... اگر کارگزاران و اطرافیان آقای هاشمی به این تحلیل برسند که وی اول نمی شود او نخواهد آمد.»

به گفته باهنر: «در حدود یک ماه قبل شایعه شده بود که حتی ما احساس کردیم آقای هاشمی حتماً کاندیدا خواهد شد. جناح رادیکال دوم خرداد یا جناح چپ یا تیپ هایی مثل حجابیان و آقای عبدی، اینها دو حمله سنگین و خشن را علیه آقای هاشمی مطرح کردند. عبدی با آن روزنامه ورافتاده نشاط مصاحبه کرد. بعد نرسید به نشاط. اخبار اقتصاد این مصاحبه را زد. ایشان گفته بود

که به مصلحت آقای هاشمی است کاندیدا نشود و اگر بیاید کاندیدا شود آن موقع ما می دانیم و خلاصه افشاگری ها و لو دادن هاو نبرد تبلیغاتی کردن و از اینها... آقایان کارگزاران که قاعدتاً تحلیل می کنند و یک مقداری هم تحلیل به آقای هاشمی می دهند، اعتقاد خود من هم این است که این آقایان یک کمی جا خورده اند یعنی احساس کردند که چپ جدی است و اسم آقای هاشمی را در لیست نخواهد گذاشت و تخریب خواهد کرد و شاید اینها جا خورد نشان از این بود که نکند آقای هاشمی بیاید در میدان و نفاول تهران نشود.»

### جلسه تفتیش عقاید

بر اساس گزارش روزنامه «اخبار اقتصاد»، یکشنبه ۱۸ مهرماه ۷۸، ماشاالله شمس الواعظین، سردبیر روزنامه عصر آزادگان، از ساعت ۱۱ بامداد تا ۷ بعدظهر روز شنبه ۱۷ مهرماه، به مدت هشت ساعت به صورت بی وقفه از سوی سعید مرتضوی، رئیس شعبه دادگاه ۱۴۱۰ دادگاه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت (ویژه مطبوعات) تحت بازجویی قرار داشت. بر اساس همین گزارش: «در حالی که خبرنگاران داخلی و خارجی منتظر نتیجه بازجویی بودند، حمید رضا جلابی پور، حدود ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه از اتاق مرتضوی خارج شد و در برابر پرسش های خبرنگاران گفت: این جلسه بیش از هرچیز به جلسات تفتیش عقاید شباهت دارد و شمس الواعظین به سختی از سوی قاضی مرتضوی تحت فشار قرار گرفته است و در مسواری با توهین هایی روبه روست... مرتضوی می گوید به هر ترتیبی شده است از شمس الواعظین کلمه ای یا جمله ای بشنود که بتواند او را به زندان بفرستد.»

### اعتراض کارگری در سمنان

بر اساس گزارش روزنامه «اخبار اقتصاد»، دوشنبه ۱۹ مهرماه ۷۸، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بافندگی و ۳۰۰ نفر از کارگران ریسندگی سمنان طی چند روز گذشته با تجمع در مقابل کارخانه و نیز مراجعه به فرمانداری سمنان خواهان پرداخت حقوق خود شده اند. بر اساس همین گزارش یکی از کارگران گفته است، اکثر کارگران بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال طلبکار هستند و مسئولان سیاسی استانداری سمنان به آنان گفته اند به دلیل آنکه کارخانه خصوصی است، کارگران برای احقاق حقوق خود باید به دادگستری سمنان مراجعه کنند. کارگران همچنین به اخراج ۱۸۰ کارگر کارخانه ریسندگی معترضند و از استانداری این استان خواهان توضیح شده اند.

## مفاد قراردادهای نفت و گاز را منتشر کنید

ملی ایران در آنها پایمال شده است، رهبران جمهوری اسلامی در مذاکرات خود با انحصارات فراملی و کشورهای امپریالیستی، به آنها نسبت به تغییر قوانین در ایران، در آینده ای نزدیک، امیدواری می دهند.

طی ماه گذشته، هفته نامه مید، چاپ لندن، در گزارشی پیرامون سیاست های نفتی رژیم، متذکر شد که، مقام های مسئول و صلاحیت دار جمهوری اسلامی و دست اندرکاران امور نفت و گاز، سخن از اصلاحات وسیع از جمله تغییر قانون اساسی به میان آورده اند. خبر هفته نامه مید بی پایه نیست. در همین رابطه، رئیس کمیسیون نفت مجلس شورای اسلامی، به صراحت طی گفتگویی تاکید کرد که، در صورت عدم تغییر قانون اساسی نمی توان از شرکت های خارجی انتظار داشت در طرح های نفت و گاز کشور سرمایه گذاری کنند. تغییر قانون اساسی و یا اصلاح برخی مواد آن، که نخستین مطرح کننده آن به شکل جدی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت بود، عبارتست از حذف کامل آن مواد مترقی ای که در ابتدای انقلاب زیر فشار جنبش مردمی و حضور موثر حزب توده ایران به رژیم و سران آن بر خلاف میل آنان تحمیل شد. حذف این مواد تحت عناوین فریب کارانه ای مانند «جذب سرمایه خارجی»، «ایجاد امنیت» و «شکوفایی اقتصادی» صورت می گیرد. تغییر و اصلاح قانون اساسی از موضع ارتجاعی و ضد مردمی، به کشورهای پیشرفته سرمایه داری و انحصارات فراملی امکان خواهد داد تا به شرایط و دوران پیش از قانون ملی شدن صنعت نفت بازگردند، و مالکیت ذخایر و حوزه های غنی نفت و گاز ایران را به چنگ آورند. رژیم ولایت فقیه، برنامه های ضد ملی بسیاری را در چنته خود آماده دارد، و مترصد فرصت مناسب برای اجرای آن هاست. باید با تمام توان، این برنامه های شوم و فوق العاده زیان بار را افشا کرد. در درجه نخست، ما خواستار انتشار بی کم و کاست، کلیه قراردادهای مربوط به نفت و گاز با طرف های خارجی طی این سالیان هستیم. باید متن و مفاد قراردادهای در معرض داوری مردم قرار گیرد. حزب توده ایران، بنا به وظیفه ملی و انقلابی خود، کلیه نیروها، احزاب و سازمان های مترقی، آزادی خواه و میهن پرست را به مبارزه متحد برضد سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم ولایت فقیه، به ویژه عقد قراردادهای مغایر منافع ملی توسط این رژیم با انحصارات نفتی، فرا می خواند. بیایید متحد و یکپارچه از منافع ملی و حقوق مردم ایران دفاع کنیم!

### ادامه رویدادهای جهان

#### تاجیکستان

رهبران هشت حزب و گروه سیاسی جمهوری تاجیکستان، در اواخر شهریور ماه، ائتلاف جدیدی را به نام «مجمع نیروهای مردمی» پایه ریزی کردند. رئوس ائتلاف عبارتست از: حمایت از روند آشتی ملی، برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک در چارچوب قانون اساسی. سیف الدین نوریهف رئیس سازمان کنگره یگانگی خلق ها که از جمله احزاب ائتلاف هشتگانه است، در این باره خاطر نشان ساخت که، ائتلاف جدید به عنوان یک نیروی قدرتمند سیاسی در انتخابات شرکت خواهد کرد، و مذاکرات ثمر بخشی برای معرفی نامزد انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در ۱۵ آبان برگزار شود، در جریان است. احزاب ائتلاف هشتگانه عبارتند از: ۱. کنگره یگانگی خلق ها؛ ۲. حزب دموکراتیک تاجیکستان؛ ۳. حزب کمونیست تاجیکستان؛ ۴. نهضت اسلامی تاجیکستان؛ ۵. حزب لعل بدخشان؛ ۶. حزب عدالت؛ ۷. جنبش ملی تاجیک؛ ۸. حزب دموکراتیک جناح آلمانی.

در اوایل شهریور ماه، رسانه های همگانی جمهوری اسلامی گزارش دادند که انگلستان از سرمایه گذاری خارجی در ایران حمایت می کند. روزنامه اطلاعات، به نقل از سخنگوی وزارت خارجه دولت تونی بلر، نوشت: «دولت انگلستان از هرگونه سرمایه گذاری و تجارت شرکت های انگلیسی و نمایندگی های آنان در ایران حمایت می کند.»

اندکی پیش از این اعلام حمایت رسمی، مجلس شورای اسلامی، در یک اقدام برنامه ریزی شده، تعطیلی ۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت را که یادبود نبرد پر افتخار مردم میهن ما برضد امپریالیسم فرتوت انگلستان است، از تقویم رسمی کشور حذف کرد. همزمان بودن این دو رویداد، بر خلاف تبلیغات رژیم ولایت فقیه، بویژه هواداران دولت خاتمی در درون و پیرامون حاکمیت، به هیچ رو اتفاقی و تصادفی و یا از روی «تا آگاهی» نبوده و نمی تواند باشد.

از مدت ها پیش، سران رژیم برنامه های گوناگونی با هدف جلب و جذب سرمایه خارجی تدارک دیده اند. این برنامه ها، به ویژه معطوف به صنایع کلیدی نظیر نفت، گاز و پتروشیمی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام، به ریاست هاشمی رفسنجانی، در این میان عهده دار، انطباق قوانین موجود با شرایط خارجی، و نیز تهیه و تدوین قوانین جدید در این زمینه است. بر مبنای چنین برنامه و سیاست هایی از چند سال گذشته به این سو، مقام های رسمی جمهوری اسلامی مذاکرات فشرده ای با انحصارات فراملی به منظور جلب و جذب آنها برای مشارکت در طرح های نفت و گاز داشته اند. به دنبال شرکت فرانسوی توتال، که با قراردادی ضد ملی بالغ بر ۲ میلیارد دلار سود سرشار و موقعیت ممتازی توانست کسب کند، شرکت های مختلف آمریکایی و اروپایی، تلاش گسترده ای را برای ورود به بازار ایران آغاز کردند. به گزارش خبرگزاری رویتر، شرکت شل (هلندی-انگلیسی) با پشتیبانی کامل اتحادیه اروپا، مراحل پایانی انعقاد قرارداد با وزارت نفت جمهوری اسلامی را طی می کند. رویتر به نقل از یکی از مدیران بلند پایه شل خبر داد که، این شرکت به زودی فعالیت های خود را در حوزه های نفتی سرش و نوروز آغاز خواهد کرد. به گفته این مدیر ارشد، مبلغ قرارداد برای دو حوزه مذکور حدود ۹۰۰ میلیون دلار است. شرکت عظیم شل که یکی از سهامداران کنسرسیوم غارتگر نفت پس از کودتای ۲۸ مرداد بود، همواره رابطه ای تنگاتنگ و پرسود با رژیم ولایت فقیه داشته است! شل در حال حاضر ۲۵ درصد سهام شرکت «نفت پارس» را در اختیار دارد و همراه با شرکت ملی نفت ایران در تولید فرآورده های نفتی به ویژه سوخت کشتی همکاری می کند. در سال های پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، شل به بزرگ ترین مشتری نفتی ایران بدل شد و با امضاء قراردادی بلند مدت، روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام ایران را برداشت می کند. علاوه بر شل، انحصار فراملی «بی. بی. پی. آموکو» (شرکت غول پیکری که از ادغام بریتیش پترولیوم و آموکو آمریکا پدید آمده است) دست به اقدام های گسترده ای برای حضور فعال در طرح های نفت و گاز ایران، زده است.

برایان ساندرسون، مدیر بخش مواد شیمیایی این انحصار فراملی، چند هفته پیش از مقامات رژیم و سیاست های آنان ستایش کرد و «امنیت» ایران را برای فعالیت سرمایه داران ستود. وی آینده بازار ایران برای «بی. بی. پی. آموکو» را بی نظیر توصیف کرد. هم چنین یک شرکت انگلیسی به نام «لاسمو» طی قراردادی کاملاً محرمانه با وزارت نفت جمهوری اسلامی، امتیاز اکتشاف و استخراج نفت و گاز در بخش جنوبی آب های دریای خزر را به دست آورده است. مفاد این قرارداد نیز، همانند قرارداد با توتال، سری عنوان شده و رژیم از انتشار آن خودداری می ورزد. مقارن با عقد چنین قراردادهایی که به معنی واقعی اسارت بار بوده و منافع

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## ادامهٔ بیکار کارگران و زحمتکشان ...

جنبش کارگری - سندیکایی و نیز آگاهی طبقاتی کارگران در شرایط دشوار و حساس کنونی است. در زیرپاره ای از گزارشات کارگری پیرامون جنبش اعتراضی را درج می کنیم. این اعتراض ها در عین حال نمایانگر اهمیت حضور کارگران و زحمتکشان در عرصه نبرد با رژیم ولایت فقیه است:

در اواخر تیرماه، کارگران کارخانه آجریزی اصفهان در اعتراض به سطح پایین دستمزد و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز تاخیر در پرداخت دستمزدها، خط تولید را تعطیل و در محوطه کارخانه تجمع کردند. در کارخانه صنایع پشم اصفهان نیز کارگران با تعطیلی کارخانه، تحصنی را در برابر اداره کل کار اصفهان سازمان دادند و خواستار ملاقات و گفتگوی رسمی با مسئولان وزارت کار شدند. همزمان با تحصن کارگران صنایع پشم اصفهان، گروهی از زحمتکشان بازنشسته اصفهان، در اعتراض به تمدید نشدن دفترچه های بیمه درمانی خود و خانواده هایشان در سطح شهر راه پیمایی کرده و در مقابل استانداری اجتماع کردند. واحدهای سپاه و بسیج با این بازنشستگان بسیار خشن و توهین آمیز برخورد کرده و ضمن متفرق کردن آنها برخی را نیز بازداشت کردند.

همچنین در شرکت نیکو شهر، که پیمانکار شهرداری اصفهان است، کارگران دست به اعتصاب زده و خواستار دریافت دستمزد معوقه خود شدند. کارگران این شرکت سه ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران خاطر نشان ساخته اند که، مدیریت شرکت نیکو شهر با مقامات شهرداری اصفهان مشترکا در حیف و میل اموال همگانی و دزدی و رشوه دست دارند. تجمع کارگران در مقابل شهرداری با هجوم نیروی انتظامی پایان یافت. در اواسط شهریور ماه سال جاری، کارگران شرکت کفش آزادان، واقع در شهر صنعتی البرز قزوین، با امضاء طوماری، خواستار پرداخت دستمزدها و مزایای معوقه خود شده، و تهدید کردند که با راه پیمایی، بزرگ راه تهران - قزوین را مسدود خواهند کرد. کارگران این واحد تولیدی نزدیک به ۶ ماه است، دستمزدی دریافت نکرده اند.

همچنین در شهر قزوین، در اواخر شهریور، گروهی از تاکسی رانان در اعتراض به عملکرد مقامات اداره تاکسی رانی و شهرداری دست به اعتصاب زده و در برابر فرمانداری اجتماع کردند. روزنامه کار و کارگر در اواخر تیرماه نوشت که، گروهی از کارگران اخراجی بیمارستان خمینی شهر ارومیه، ضمن تجمع در محوطه بیمارستان، طوماری را امضاء کردند که در آن خواستار روشن شدن وضعیت خود شدند. این کارگران چندی پیش از کار اخراج شدند و از آنجا که با قرارداد موقت مشغول به کار بوده اند، حقوق و مزایایی از جمله حق بیکاری، به آنها تعلق نمی گیرد.

علاوه بر کارگران اخراجی بیمارستان ارومیه، در تیرماه و مرداد ماه گذشته تعداد بسیار زیادی از مراکز تولیدی و صنعتی کوچک در سراسر کشور دچار ورشکستگی و تعطیلی شده و تمامی کارگران آنها که عمدتا طبق قراردادهای موقت مشغول بکار بودند، بیکار شدند. روزنامه کار و کارگر در ۳۰ خرداد ماه، خبر تعطیلی شرکت تعاونی صنایع غذایی بوشهر را منتشر ساخت. با تعطیلی این واحد تولیدی، کلیه کارگران آن به صف بیکاران پیوستند. همین روزنامه در تاریخ ۷ تیرماه، این بار خبر تعطیلی شرکت چهارکاف کرمان را درج کرد. شرکت چهارکاف که تولید کننده کیسه های کاغذی بود کاملا تعطیل شد. کاروکارگر، ضمن درج این خبر، متن نامه مدیریت را نیز به شرح زیر ایتشار داد: «قابل توجه کارگران محترم شرکت چهارکاف، برابر تصویب هیات مدیره و دستور مدیر عامل شرکت، نظر بر این که شرکت مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت گردیده است در تاریخ ۷/۴/۷۸ بطور کامل تعطیل خواهد بود.»

در ۲۸ تیرماه نیز بار دیگر کاروکارگر نوشت که، اداره کل راه قدس در شهر مهاباد، سرانجام انحلال پیدا کرد و ۲۶۹ تن از کارگران آن که سالیان دراز در این اداره به کار مشغول بودند، بیکار شدند. اداره کل راه قدس در مهاباد، از ابتدای دهه ۶۰ در مناطق کردستان و آذربایجان غربی فعالیت می کرد، و به راه سازی و مرمت جاده ها مشغول بود. هم اکنون آینده ای نامعلوم

در انتظار کارگران بیکار و خانواده های آنان است.

نمونه های فراوانی از این تعطیلی ها و اخراج در دست است. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۶ شهریور ماه، گزارش اعتصاب و گردهمایی کارگران شرکت لوله سازی اهواز، را اعلام کرد. کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به وضعیت وخیم مالی این کارخانه و خطر تعطیلی آن، با یک اعتصاب یکپارچه، در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواستار جلوگیری از تعطیلی این واحد و دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. از سوی دیگر در استان گیلان، کارگران کارخانجات گروه کفش ملی، واقع در شهرستان گنجه رودبار، دست به راه پیمایی زده و خواستار ممانعت مسئولان از بسته شدن این واحد تولیدی شدند. مدیریت این کارخانه اعلام کرده است، به علت ورشکستگی مالی کارخانه باید تعطیل شود. در اواسط مردادماه، کارخانه صنایع چوبی ایران، پس از ۱۵ ماه بلاتکلیفی سرانجام به حکم شعبه ۶۱۳ دادگاه عمومی تهران منحل و کاملا تعطیل اعلام گردید. کارگران و کارمندان این شرکت ضمن تحصن در محوطه آن، با امضاء طوماری حکم دادگاه را ناعادلانه و مردود دانستند و آن را ناشی از تباہی دادگستری تهران با مدیریت کارخانه دانستند. به گزارش روزنامه کیهان، ۱۸ مرداد ماه، کارگران خواستار راه اندازی دوباره کارخانه شده و حکم دادگاه را حمایت از سرمایه داران نامیدند.

از جمله دیگر اعتراض های کارگری در چند ماه گذشته، راه پیمایی و گردهمایی گروه کثیری از کارگران شهرداری زنجان بود. کارگران شهرداری زنجان در اعتراض به عدم دریافت بموقع دستمزدهای خود، در برابر شهرداری این شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی فوری مسئولان به وضعیت خود شدند.

روزنامه اخبار اقتصاد در ۳۰ شهریور ماه امسال خبر دو حرکت اعتراضی کارگران را منتشر ساخت. در گزارش نخست آمده است که، گروهی از کارگران کارخانه پوست و چرم لرستان، با تشکیل یک گردهمایی در محل این کارخانه خواستار بازگشایی آن شدند. از ۲ ماه پیش مدیریت این واحد تولیدی، کارگران و کارمندان را به مرخصی اجباری! فرستاده و خط تولید را به حالت تعطیل در آورده است. کارگران و کارمندان از بیم تعطیلی دائم و بیکاری اقدام به تجمع در برابر درب کارخانه کرده اند. نیروی انتظامی اعلام داشته که، کارگران در صورت متفرق نشدن، بازداشت خواهند شد. بر اساس گزارش دیگر، کارگران کارخانه خزر خز شهبسوار (تنکابن) با راه پیمایی در سطح شهر و تجمع در برابر فرمانداری خواست خود را مبنی بر دریافت دستمزدهای معوقه خویش اعلام کرده و تهدید به اعتصاب درازمدت کردند. بالغ بر ۳۰۰ کارگر کارخانه خزر خز نزدیک به ۷ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده و خانواده هایشان در وضعیت ناگواری قرار دارند. روزنامه کاروکارگر در ۳۱ شهریور ماه، سخنان نماینده کارکنان سازمان بنادر و کشتی رانی بندر شاپور (خمینی) را به چاپ رساند. این نماینده از جمله یادآور شد با اجرای طرحی به نام «تشکیلات تقضیلی» تاکنون ۵۰۰ تن از کارگران و کارمندان این سازمان مشمول تعدیل نیروی انسانی شده اند و با بدترین شکل ممکن بیکار گردیده اند. کارگران و کارمندان سازمان بنادر و کشتیرانی بندر شاپور در اعتراض به این برنامه و اجرای آن یعنی بازخرید کردن اجباری، در محوطه اسکله تجمع کرده و خواستار توقف این برنامه های ضد کارگری شدند. خواست اصلی اعتصاب کنندگان تامین امنیت شغلی بود.

به این ترتیب، با نگاهی فهرست وار به حرکت های اعتراضی باید تاکید کرد که، مبارزه برای دریافت بموقع دستمزدها، افزایش سطح دستمزدها، جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و غیره از زمره خواست هایی اند که کارگران و زحمتکشان در راه آنها به مبارزه ادامه می دهند، مبارزه ای که فقط مبارزه صنفی نیست و دارای ماهیت سیاسی بوده و با توجه به شرایط حاد کنونی سازمان داده می شود.

# مرتضی راوندی محقق و پژوهش گر برجسته

## درگذشت



درگذشت مرتضی راوندی

مرتضی راوندی، دانشمند و پژوهشگر برجسته ایرانی، مولف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» درگذشت. درگذشت مرتضی راوندی، دانشمند و پژوهشگر برجسته ایرانی، مولف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» درگذشت. درگذشت مرتضی راوندی، دانشمند و پژوهشگر برجسته ایرانی، مولف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» درگذشت.

استاد و راهنمایی داشته است، چنین می گوید:

«این موضوع برمی گردد به بعد از شهریور ۲۰ و تشکیل حزب توده ایران. من به مسایل اجتماعی، موضوع حقوق آدم ها و اختلافات طبقاتی و به طور کلی اجتماعی بیشتر توجه کردم.» (گفت و گو با استاد مرتضی راوندی. مجله چپستا، شماره ۷۰۶ اسفند ۱۳۷۷ ص ۴۷۲)

مرتضی راوندی هم چنین به خاطر اعتقادات سیاسی، در دهه ۳۰ تحت پیگرد قرار گرفت و برای مدتی زندانی شد. همزمان وی هنوز خاطره او را که از آمدن به زندان نیز برای ادامه مطالعات و یادداشت برداری حول و حوش تحقیقات خود غفلت نمی کرد، به یاد دارند. او در زندان ساعت های طولانی به خواندن کتب مختلف می پرداخت و همیشه می گفت، حالا که این جا هستیم پس از وقتی که به ما داده اند استفاده کنیم.

در کنار نقش حزب توده ایران در روشن گری مسایل سیاسی و اجتماعی در میان مردم ایران، و فضای نسبتاً باز دهه بیست که در ایران حاکم بود، عامل دیگری که باعث گردید مرتضی راوندی دست به نگارش کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» بزند، سفری بود که او در آن هنگام به کشور فرانسه داشت. در پاریس با دیدن کتابی که به زندگی مردم فرانسه در قرن هجدهم پرداخته بود به این فکر افتاد که در باره زندگی اجتماعی مردم ایران از گذشته های دور تحقیق کرده و نتیجه پژوهش هایش را برای آگاهی مردم منتشر کند. از این زمان به بعد تمام وقت پربار خود را برای تدوین چنین کتابی به کار گرفت. مرتضی راوندی بیش از ۵۰ سال از عمر خود را برای نگارش این کتاب که به مرور زمان در ده جلد به چاپ رسید، به کار برد. خود او در باره شکل گیری این اندیشه و تصمیم وی برای نوشتن این کار سترگ چنین یاد می کند: «بواسطه تبلیغات موثر حزب توده ایران، توجه به مردم و افکار عمومی بیشتر شد. گفت و گو در زمینه های اجتماعی و مردمی و موضوع حقوق مردم بیشتر شد. کتاب ها نوشته شد، روزنامه ها دایر شد. مثل روزنامه مردم، رهبر و گمان می کنم روزنامه رزم و روزنامه های دیگر. تا قبل از آن کسی جرأت نداشت در این باره صحبت کند... همان موقع سفری به فرانسه داشتم و با دیدن کتابی که ترجمه نام آن زندگی روزمره مردم فرانسه در قرن هجدهم بود، شوق نوشتن کتابی در باره زندگی اجتماعی مردم در گذشته در من ایجاد شد. چون گمان می کردم جای مردم در تاریخ گذشته ایران خالی است. و عموم مورخین شرح احوال و اوصاف و اعمال سلاطین را نوشته اند. این بود که تصمیم گرفتم و شروع کردم.» (همانجا)

با انتشار اولین جلد های «تاریخ اجتماعی ایران»، این کتاب مورد استقبال جامعه روشن فکری ایران قرار گرفت و خیلی زود جایگاه خود را به عنوان یک اثر جامع و مرجع باز کرد، و ضرورت وجود چنین اثری را نشان داد. به همین خاطر مولف آن تصمیم گرفت با ادامه پژوهش های خود دامنه کار را گسترش داده و تالیف خود را کامل تر کند.

نویسندگان، و مورخین زیادی از زوایای گوناگون به این کتاب و ارزش آن پرداخته اند و نقش آن را در فراهم کردن زمینه تحقیقات بعدی، پیرامون تاریخ ایران نشان داده اند. به عنوان نمونه احسان طبری پس از مطالعه کتاب در معرفی آن چنین می گوید: «اسلوب مولف محترم آن است که منابع و مدارک بسیار متنوعی را بررسی می کند و نکات جالب، پرده در و سرشتی حوادث را در چارچوب عنوانی که مورد بحث اوست یادداشت می کند و این یادداشت های رنگین و جالب را در برابر خواننده می گسترده... طبیعی است که کار آقای راوندی تنها بررسی عمومی نیست و او از نخستین مجلدات کتاب هدفش نشان دادن روند عمقی جامعه ما بمثابة نبرد بهره دهان و بهره کشان، دفاع از اولی ها و افشاء دومی ها بوده است. آقای راوندی در این زمینه با شور و ايقاني ریشه دار سخن گفته است. زائد است در باره سودمندی اجتماعی این کار و ارزش بزرگ تلاش جویندگی و پویندگی مولف سخن گوئیم. خود جامعه با برخورد مثبت به این کار بزرگ هم اکنون پاداش معنوی و اخلاقی به مولف پرکار و عدالت پرست و حقیقت دوست آن داده است.» (احسان طبری. مجله دنیا، ش. ۸، سال ۱۳۵۹، ص ۱۲۹)

مرتضی راوندی علاوه بر نگارش کتاب ده جلدی «تاریخ اجتماعی ایران» آثار ارزنده دیگری نیز به رشته تحریر درآورد که از آن میان می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

۱. تاریخ تحولات اجتماعی (دو جلد)
۲. تفسیر قانون اساسی ایران
۳. زندگی ایرانیان در خلال روزگاران
۴. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا
۵. زندگی مسلمانان در قرون وسطی (ترجمه)
۶. اقتصاد بشری (ترجمه)

هم چنین این محقق برجسته طی سال های اخیر مشغول نگارش کتابی با عنوان «سیر روزنامه نگاری و تاریخ مطبوعات در ایران» بود که متأسفانه با مرگ وی نیمه تمام ماند. این اثر بی شک خلایی را که در زمینه نقش مطبوعات و تاریخ آن در کشور ما وجود دارد، پر می کرد. علاوه بر این مرتضی راوندی آن چنان که در آغاز جلد چهارم «تاریخ اجتماعی ایران» اشاره کرده است، یادداشت ها و مطالبی پیرامون فعالیت های فکری اندیش مندان مختلف از جمله پیرامون افکار و آثار احسان طبری جمع آوری کرده بود که متأسفانه به خاطر شرایط حاکم هرگز فرصت نیافت آن ها را منتشر کند. باید امیدوار بود که بازماندگان و دوستان وی بتوانند نتیجه تحقیقات او را که نیمه تمام مانده است به نحوی به جامعه معرفی کنند.

حزب توده ایران درگذشت مرتضی راوندی این انسان شریف که عمری دراز با سرافرازی و شایستگی زندگی کرد، به خانواده وی، دوستان و جامعه فرهنگی تسلیت می گوید. بدون تردید فعالیت های عدالت خواهانه و مردم دوست او در جامعه ما در هیئت آثارش عمری دراز خواهد داشت.

مرتضی راوندی پژوهش گر، محقق سرشناس و مولف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» بر اثر بیماری قلبی در تهران درگذشت. مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۲ در تهران به دنیا آمد. پیش از آن که چشم به جهان بگشاید، پدر خود را از دست داد و تنها تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. پس از پایان دوره مقدماتی و تحصیل در دارالفنون به دانشکده قضایی وارد شد و در رشته حقوق تحصیلات خود را به پایان رساند. بعدها به استخدام دادگستری درآمد و به عنوان یکی از قضات شرافت مند و مردم دوست سال های طولانی در این اداره خدمت کرد.

مرتضی راوندی انسانی فروتن بود و هرچند که کوله باری از تاریخ معاصر ایران بردوش داشت و در زمینه های مختلف مطالعات همه جانبه و وسیعی کرده بود، به دور از جنجال می زیست. و به تنهایی مشغول پرداخت کاری سترگ بود. وی برای تالیف کتاب ۱۰ جلدی «تاریخ اجتماعی ایران» بیش از پنجاه سال عمر خود را صرف نمود. در طول این مدت و حتی در اواخر عمر نیز با مطالعه و یادداشت برداری در جهت تدقیق و کمال این اثر پرازش تلاش می کرد.

مرتضی راوندی در دهه بیست هم زمان با بنیادگذاری حزب توده ایران با اندیشه های ترقی خواهانه و مترقی آشنا گشت و تا پایان عمر به مثابه یک انسان صدیق و مردمی به عقاید انسانی خود پایبند ماند. از آغاز سال های جوانی بود که توجه اش به مسایل اجتماعی جلب گردید و مطالعات خود را هدف مند و پر دامنه دنبال کرد. در این ارتباط مرتضی راوندی در آخرین مصاحبه اش که کمی پیش از درگذشتش منتشر شده است، با ذکر خاطرات گذشته به چگونگی رشد و تمایل خود به افکار ترقی خواهانه، در مقابل این پرسش که در زندگی چه

## ادامه مانورهای «مصلحانه» ولی فقیه و ...

دهد مختار است اما بداند اهانت و توهین به رئیس جمهوری که بر نیروی عظیم اجتماعی متکی است بیش از هر چیز تشانه آشکار قطع و بریدن از مردم و اندیشیدن به ابزارها و راهکارهای خارج از عرصه سیاست برای نیل به اهداف، حفظ منافع و کسب قدرت است.

بازتاب منفی و وسیع مردمی بر ضد این تحریکات شوم، از یک سو سران ارتجاع را بشدت غافلگیر و نگران ساخت و از سوی دیگر بحران و اختلاف های سیاسی در هرم حاکمیت را تشدید کرد. انکار و اظهار بی اطلاعی برخی چهره های سرشناس «جامعه روحانیت مبارز» از اعلامیه این جامعه را می توان تبلوری از این روند دانست. با تشدید جو پر تنش و خطر بروز جنبش های خود جوش مردمی در مقابل تهدیدات مزدوران رژیم، سران رژیم برای کنترل اوضاع و در عین حال بهره برداری از جو بشدت متشنج جامعه ناچار به تغییر تاکتیک شدند. حبیب الله عسگر اولادی، از مرتجع ترین و منفور ترین چهره های سرشناس جناح «ذوب در ولایت»، در نامه ای به هاشمی رفسنجانی، که در روز نامه های پنجشنبه ۸ مهرماه انتشار یافت، ضمن اخطار پیرامون خطری که رژیم را تهدید می کند، برده از تغییر تاکتیکی مواضع گروه مرتجع برداشت. عسگر اولادی در این نامه نوشت: «مدتی است ارزش ها و مقدسات اسلام و انقلاب اسلامی و حتی امام خمینی و مقام معظم رهبری مورد تهاجم قرار گرفته اند و کار به استهزا و اهانت و تحریف رسیده است... نگرانی در این است که اگر مسئولان مشکل را علاج نکنند شاهد اقدامات خود جوش و پراکنده باشیم و هرج و مرج پدید آید و امید و اعتماد مردم متزلزل گردد و موجبات سوء استفاده های کلان دشمنان اسلام و ایران پدید آید.»

عسگر اولادی، در همین نامه «دم خروس» تقسیم کار نیروهای ارتجاعی در این زمینه را نیز لو داد، و اشاره کرد که «امت» و نیروهای «مسلمان» همه «گوش به زنگ آهنگ مقام معظم رهبری و تمامی شما بزرگان نظام اسلامی و مسئولان آنند که چگونه باید انجام وظیفه نمایند» (روزنامه اخبار اقتصاد، پنجشنبه، ۸ مهرماه ۱۳۷۸). در پی این سخنان بود که سید علی خامنه ای در نماز جمعه تهران، در ارزیابی اوضاع کشور، و خطراتی که «نظام» را تهدید می کند، همه «نیروهای خودی» را از برخورد با یکدیگر برحذر کرد و از جمله گفت: «در بسیاری از اوقات کسانی که می خواهند مقدسات را در چشم مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کنند، از چنین کارهای به ظاهر کوچکی شروع می کنند تا عکس العمل مردم را بسنجند و اگر علما و مسئولین کشور موضعگیری نمی کردند و مردم تفر و انزجار خود را ابراز نمی داشتند احتمال می رفت این قدم، به قدم بعدی که فاحش تر از این باشد، برسد و به همین ترتیب پیش برود.» و نتیجه گیری مهم اینک: «مردم [و البته منظور چاقو کشان و مزدورانی همچون سردار نقدی است] اجازه نخواهند داد در این کشور کسی بخواهد با ابزارهای فرهنگی با اسلام در میدان فرهنگی این چنین با صراحت مبارزه کند...» و راه حل برخورد با این «تهاجم فرهنگی»، استفاده از «ابزارهای قانونی» است. به گفته خامنه ای: «اینکه یک شخص باید مجازات شود مربوط به آحاد مردم نیست، بلکه مربوط به مسؤولان است و ما هم مراقب هستیم که زیاده روی و یا کوتاهی نشود... من از مدیران فرهنگی توقع و انتظار دارم فضای فرهنگی کشور به گونه ای نباشد که کسی این گستاخی یا غفلت را بکند که به امام زمان این جور اهانت شود. یک جای کار عیب دارد. من توقعم و خواستم از کسانی که الان مسئولان رسمی امور فرهنگی هستند این است که به طور جدی تجدید نظر کنند» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، جمعه ۹ مهرماه).

برخی این اظهارات خامنه ای را تغییر مسیر «ولی فقیه» و همراه شدن او با خاتمی ارزیابی کرده و «شکاف» در جامعه روحانیت مبارز را نیز تبلور دیگری از تغییر در لایه بندی نیروهای درون حاکمیت ارزیابی

می کنند. بر اساس این نظریه، مدافعان خاتمی برندگان این درگیری بوده اند و در نتیجه اوضاع مساعدی برای تحولات بعدی پیش آمده است. چنین تصویری را تنها می توان خوش خیالی و برداشت های خام ذهنی ارزیابی کرد. مدافعان چنین نظراتی فراموش می کنند که خامنه ای، در سال های اخیر، بارها چنین مانورهایی را انجام داده است و اصولاً بخشی از وظیفه او «مانور بر فراز جناح ها» و فراخواندن آنها به وحدت برای حفظ «نظام اسلامی» است. مانورهای عوام فریبانه و بازی های سیاسی این چنینی سنتی است که خمینی بر جای گذاشت و امروز توسط جانشین او دنبال می شود. در همین ماه های اخیر مردم ما بکرات چنین مانورهایی را ناظر بوده اند.

پس از جریان قتل های تنفر انگیز دگراندیشان، فروورها، مختاری، پوینده و شریف، خامنه ای نخست این قتل ها را توطئه «امپریالیسم» و غیره اعلام کرد و بشدت به معترضان رژیم و نیروهای امنیتی حمله کرد و سپس با روشن شدن دست داشتن عوامل خود او زیر فشار شدید توده ها ضمن دفاع از خاتمی، خواهان پیگیری و روشن شدن مسایل شد. در جریان قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه نیز، خامنه ای، نخست ضمن ابراز تأسف از حمله به کوی دانشگاه به شنوندگان خود گفت: اگر به من توهین شد و ... ناراحت نشوید و سپس چند روز بعد فرمان «منکوب کنید» و سرکوب کنید را سرداد و پس از ماماشات دولت آن چنان سخنان داغی در دفاع از خاتمی بیان داشت و اعلام کرد که ما در مهم ترین مسایل با هم توافق کامل داریم. اتفاقی نیست که پس از این سخنان کارزار سازمان یافته ای در حمایت «از سخنان رهبری» به راه می افتد و همه نیروهای «خودی» تعبد و بندگی خود را به «رهبری» اعلام می کنند. سردار نقدی اعلام می کند: «حکم ولایت را فراتر از هر قانون و فتوای شرعی گردن می نهم» و رئیس قوه قضائیه نیز اعلام می کند که: «در حکومت اسلامی فقط حکم فقیه حاکم جاری است.»

بدین ترتیب روشن می شود که حول حفظ «اسلامیت نظام» و یا به عبارت دقیق تر، حفظ رژیم «ولایت فقیه»، توافق صورت می گیرد و قرار است «خط های قرمز» حفظ ارتجاع پوسیده و ضد مردمی حاکم همچنان برجا بماند. نکته اساسی در ارزیابی این تحولات این است که نیروهای سیاسی، شخصیت های اجتماعی و مترقی تضاد اساسی خلق با رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه» را چگونه می بینند.

به گمان ما تضاد اساسی خلق، تضاد با استبداد قرون وسطایی است، که در شکل رژیم «ولایت فقیه»، بر میهن ما حاکم است. تجربه حداقل دوسال گذشته نشان داده است که استبداد حاکم و نیروهای وابسته به آن گرچه حاضرند در برخی زمینه های «جنبی» برخی امتیازات را به نیروهای تحول طلب بدهند ولی حد این امتیازات لطمه نخوردن به موقعیت روحانیت حاکم به عنوان حکام بلامنازع و ابدی میهن ماست. حفظ «نظام اسلامی» و «ولایت» در ایران هیچ معنایی جز حفظ رژیم استبدادی کنونی ندارد و نمی تواند داشته باشد. تجربه دو سال گذشته نشان داده است که در رژیم ارتجاعی و ضد مردمی حاکم مانند همه رژیم های استبدادی دیگر حق گرفتنی است و نه دادن. تحولات مثبتی که در دو سال گذشته در جهت باز شدن فضای اختناق زده میهن ما رخ داده است عمدتاً مرهون مبارزه قشرهای وسیع توده ها و تحمیل این خواست به رژیم بوده است. مانور برای بقا و ادامه حکومت، پدیده تازه ای نیست. حرکت «ولی فقیه» در روزهای اخیر را نیز باید مانوری برای ساکت کردن جو دانست که هیچ تغییر اساسی در معادلات سیاسی کشور نخواهد داد. در چنین اوضاعی نیروهای ملی و مترقی باید با هوشیاری و استفاده از همه امکانات ضمن افشای این مانورهای «ولی فقیه» که به قصد ادامه فشار بر دولت خاتمی در شرایط قابل کنترل برای رژیم انجام می شود، نیروی خود را متوجه سازمان دهی جنبش مستقل مردمی برای رویارویی با ترفندهای رژیم «ولایت فقیه» نمایند که به قصد مهار کردن این جنبش و به نابودی کشاندن آن انجام می شود.



### پنجاه سالگی انقلاب چین

بیش از نیم میلیون نفر از مردم چین، در ۹ مهر ماه در مراسمی در میدان تیان آن مین، پنجاهمین سالگرد پایه گذاری جمهوری توده ای چین را جشن گرفتند. نیم قرن پیش در چنین روزی زحمتکشان چین تحت رهبری حزب کمونیست چین، در انقلابی که جنبه های طبقاتی و ملی آن در هم آمیخته بود، سرنوشته خود را به دست گرفتند. این انقلاب برضد اشغالگری میلیتاریسم ژاپن و نیز برضد تسلط زمین داران بزرگ و نظام ملوک الطوائفی رایج بود. از همان بالکن بر فراز «دروازه صلح بهشتی»، که مائو در ۹ مهر ماه سال ۱۹۴۹، اعلام کرد: که مردم چین «برپاخاسته اند»، رئیس جمهوری، زبان زمین «تغییرات عظیمی که در چین قدیمی فقیر و ضعیف صورت گرفته است» تجلیل کرد.

برگزار کنندگان جشن، به طور مشخص دستاوردهای مشخص چین در صنعت، کشاورزی و نیز پیشرفت های اجتماعی محصول سال های رشد اقتصادی بی سابقه را خاطرنشان کردند. رشد سریع اقتصادی که در مقایسه با دیگر کشورها به مراتب بالاتر بوده است در سال های اخیر چین را به یکی از قدرت های نادر اقتصادی جهان تبدیل کرده است. این رشد، برخی دستاوردهای قابل توجه را برای مردم چین در برداشته است. گرچه استاندارد زندگی در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری هنوز عقب است، لیکن می بایست به نقطه آغاز حرکت چین در سال ۱۹۴۹ نیز توجه داشت. میزان متوسط عمر در چین که در پنجاه سال قبل ۳۵ سال بود، اکنون ۷۰ سال می باشد. در مقایسه با سال ۱۹۴۹ که ۸۰ درصد مردم چین بی سواد بودند، اکنون فقط ۷ درصد بی سواد وجود دارد.

رئیس جمهوری، زین زمین گفت: «عمل کاملاً ثابت کرده است که سوسیالیسم تنها راه نجات و توسعه چین است» او گفت که در فاصله میان نیمه قرن بیستم و نیمه قرن آینده، مردم چین با سخت کوششی و ابتکار «مدرنیزاسیون سوسیالیستی را سامان خواهند داد.» هزاران تن از پرسنل ارتش آزادی خلق در پاسخ او عزم خود را در «خدمت به خلق» اعلام کردند. رئیس جمهوری چین ۱/۲۳ میلیارد مردم چین را فراخواند تا: «پرچم کبیر مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه های مائو تسه تونگ و تئوری تنگ شیائو پینگ را بر افزایش ننگ داشته و شجاعانه به سوی اهداف رفیع مان پیش برویم.»

او در ادامه اهداف سیاست خارجی دولت چین را مقابله با «برتری طلبی» و تمایل غرب برای کنترل بازارها از طریق تجاوزگری نظامی معرفی کرد. او گفت که چین «همیشه در کنار مردم و کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان خواهد بود»، با

برتری طلبی امپریالیسم مقابله کرده، و از ارتقاء جهانی چند قطبی در جهت ایجاد یک نظم نوین عادلانه و منصفانه سیاسی اقتصادی حمایت خواهد کرد.

• چین و روسیه ۵۰ سال پیوندهای دیپلماتیک را طی مراسمی در پکن با حضور نخست وزیر چین و نیز اولین تمرین نظامی مشترک دو کشور جشن گرفتند. ژو رونگجی، نخست وزیر چین در مراسمی در محل سفارت روسیه در پکن تقویت «مشارکت استراتژیک» بین دو کشور را با اهمیت دانست. بطور همزمان با شرکت دو رزمناو روسی در بندر شانگهای مانور مشترک دریایی دو کشور آغاز شد. خبرگزاری چین شرکت دو کشتی جنگی روسی را یک بخش از فعالیت های مهم در بزرگداشت ایجاد روابط دیپلماتیک بین دو کشور دانست. ایالات متحده و کشورهای سرمایه داری اروپا غربی از روند نزدیکی روسیه و چین نگران اند و آن را بطور بالقوه برضد منافع جهان سرمایه قلمداد می کنند.

### بلغارستان و پایگاه های ناتو

بر طبق گزارش رسانه های جهان، بلغارستان و ایالات متحده در نظر دارند تا همکاری های مشترک نظامی خود را گسترش دهند. ولی مقامات مسئول در دولت بلغارستان این خبر را که توافق میان دو کشور در بردارنده طرح ایجاد پایگاه های نظامی آمریکایی در بلغارستان خواهد بود، تکذیب کردند. بلغارستان در دوران حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی با فراهم آوردن امکان پرواز جنگنده های بمب افکن آمریکایی و ممانعت استفاده از حریم هوایی این کشور توسط روسیه عملاً همکاری های خود را با ناتو آغاز کرد.

طبق پیش نویس متن منتشر شده توافق نامه بلغارستان نیاز های نیروی هوایی، دریایی و زمینی ایالات متحده را در مقابل پرداخت هزینه های آن بر آورده خواهد کرد. این نیازها شامل فهرستی طولانی از غذا، آب و سوخت گرفته تا خدمات ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل، مسکن و تسهیلات انباری اند. جالب این جاست که ایالات متحده امکان تاسیس پایگاه نظامی در بلغارستان را نفی نکرده است. سفیر ایالات متحده در صوفیه پایتخت بلغارستان در پاسخ به مطبوعات در رابطه با توافق نامه حاضر گفت: «اگر در آینده مسئله ایجاد پایگاه مطرح شود این چارچوب ضروری خواهد بود.» پنتاگون در سال های اخیر موافقت نامه های مشابهی را با لهستان، جمهوری چک، جمهوری اسلواک، مجارستان، لتونی، لیتوانی و مقدونیه امضاء کرده است. در مسکو، سخنگوی وزارت خارجه روسیه بیانیه رهبران بلغارستان را مبنی بر اینکه ممکن است که پایگاه های ناتو در این کشور تاسیس شود مخالف «توسعه امنیت و ثبات در اروپا، و ویژه در مناطق جنوبی آن» دانست.

### سیاست چماق و حلوا در خلیج فارس

سران شیخ نشین عمان، در خلیج فارس، فاش کردند که ایالات متحده به بهانه نگرانی های سیاسی منطقه ای، در تلاش برای توسعه و گسترش حضور نظامی خود در این منطقه حساس جهان است. واشنگتن در حال حاضر نیروهای دریایی قابل ملاحظه ای در خلیج فارس، و نیروی زمینی در عربستان سعودی و کویت دارد. بهانه ایالات متحده برای حفظ چنین نیروی بزرگی، منزوی کردن عراق و محافظت از جریان نفت خاورمیانه به غرب است. وزیر خارجه عمان، یوسف بن علوی بن عبدالله، گفت که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس در طول سال گذشته تقویت شده و این امر ادامه خواهد یافت.

او گفت: «هیچ شکی نیست که حضور نظامی ایالات متحده در طول سال گذشته به دلایلی که خیلی خوب می دانیم تشدید و تقویت شده و این امر ادامه خواهد یافت.» او این مسئله را که عمان در جریان رد و بدل شدن یک نامه بین بیل کلینتون و محمد خاتمی به عنوان عامل واسطه عمل کرده است تکذیب کرد. واشنگتن پست گزارش داده است که، در این نامه کلینتون خواستار همکاری دولت ایران برای تحقیق پیرامون بمب گذاری برضد یک مجتمع نظامی در طهران، عربستان سعودی، در سال ۱۹۹۶ شده است که در جریان آن، ۱۹ نفر از پرسنل نظامی آمریکا به قتل رسیدند. به گزارش واشنگتن پست، نامه کلینتون توسط یک مقام رسمی کاخ سفید به پاریس آورده شده و توسط یک میانجی عمانی به تهران فرستاده شده است.

### درگیری خونین در قرقیزستان

قرقیزستان با حمایت همسایگان خود حملات تازه ای را در ۱۰ و ۱۱ مهر ماه برضد مواضع چریک های مسلمانی که ۱۳ نفر را در کوه های جنوبی این کشور به گروگان گرفته اند سازمان داد. کانی بک ایمانلی اوف، سخنگوی رئیس جمهوری قرقیزستان، گفت که هوایماهای جنگی چندین بمب بر فراز تپه های اطراف دهکده زردالی فرو ریخته اند. او گفت که، این تهاجم جدید به طور مشترک و با همکاری ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و روسیه که اخیراً حمایت از ارتش کوچک قرقیزستان را تعهد کرده، انجام شده است. قرقیزستان برای حل این بحران که ۲ ماه پیش با عبور صدها چریک

مسلمان از تاجیکستان از مرز این کشور و گروگان گیری شهروندان خارجی آغاز شده، از کشورهای همسایه خود کمک خواسته است. تاکنون فقط ازبکستان به قرقیزستان در انجام بمباران هوایی کمک کرده بود.

در مرداد ماه بدنبال بمباران اشتباهی یک دهکده قرقیز از سوی جنگنده های نیروی هوایی ازبک، عملیات آنان متوقف شد. در ۹ مهر ماه منابع وزارت دفاع قرقیزستان گفتند که نیروهای ارتشی ارتقاعات استراتژیک را اشغال کرده و همه راه های فرار را به روی چریک های ازبک بسته اند، عسگر آقایوف، رئیس جمهوری قرقیزستان در ملاقات خود با صدر سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) در بیشک پایتخت این کشور گفت که کوشش برای پاک کردن تروریسم و افراطی گری مذهبی از آسیای میانه زمان می طلبد. در همین روز منابع مطلع در وزارت امنیت ملی قرقیزستان گفتند که «حزب اسلامی تقریر» فعالیت های خود در استان های اوش و جلیل آباد در جنوب قرقیزستان را تشدید کرده اند. این منابع گفتند که مرکز چاپ مخفی این حزب در اوش کشف شده است. در اعلامیه هایی که در این مرکز چاپ شده، هدف «حزب اسلامی تقریر» سرنگونی دولت های موجود در کشورهای آسیای مرکزی و ایجاد یک کشور پان اسلامیست اعلام شده است. استان اوش منطقه ای استراتژیک در جنوب قرقیزستان محسوب می شود و نقطه اتصال روسیه، آسیای میانه و چین است.

• رئیس جمهوری، نورسلطان نظر بایف، در اوایل مهر ماه، کمیسیون را برای مقابله با تهدید افراطی گری مذهبی در جمهوری قرقیزستان پایه گذاری کرد. مقامات رسمی گفتند که، این کمیسیون به دنبال وقایع قرقیزستان که در جریان آن صدها چریک بنیادگرای مسلمان مناطق جنوب غربی کشور را به اشغال در آوردند، ایجاد شده است. چریک های مزبور با جنبش اسلامی ازبکستان در ارتباط اند و از منطقه نفوذ خود در شمال تاجیکستان وارد قرقیزستان شده اند. گرچه قزاقستان مانند دیگر همسایگان خود مورد تهدید جنبش بنیادگرای اسلامی نیست، اما توسعه خشونت مذهبی در آسیای مرکزی نگرانی رهبران این کشور را برانگیخته است.

نخست وزیر روسیه، ولادیمیر پوتین، که در ۲ مهر ماه به آستانا، پایتخت قرقیزستان، وارد شد گفت که، افراط گرایان بین المللی می خواهند کناره جنوبی شوروی سابق را در کنترل خود بگیرند.

## ادامه طالبان و سیاست ...

گزارش می دهند. تعداد تلفات نیروهای طالبان در این نبردها چشمگیر بود. تهاجم اخیر طالبان که در آخرین روزهای شهریور ماه و اوایل مهرماه و با استفاده از جنگنده های بمب افکن نیروی هوایی و بمباران مناطق تحت کنترل اپوزیسیون صورت گرفت، برای جبران این شکست ها طرح ریزی شده بود. خشم طالبان از اینکه ساکنان مناطق شمالی از نیروهای اپوزیسیون حمایت می کنند به حدی بود که ویرانگری و انهدام، به مثابه سیاست رسمی نیروهای طالبان در پیش گرفته شد. وزیر کشاورزی طالبان، مولوی عبداللطیف منصور، به آسوشدپرس گفت: «ما مجبور شدیم که سیستم های آبیاری، چاه های آب و باغات را در چندین منطقه که سربازان ما مورد هجوم واقع شده و کشته شده بودند، نابود کنیم.» سازمان ملل، در ۵ شهریور، طالبان را شدیداً مورد حمله قرار داد و اعلام داشت: «آنها زمین های زراعی مرغوب، در جلگه شمالی را با خاک یکسان کرده اند.»

حملات گسترده طالبان در مرحله فعلی متوجه ایالت تخار و ایالت کوندوز در همسایگی آن، بوده است. صدها خانواده از این ناحیه به شمال افغانستان کوچ کردند، که از بمباران بی وقته منطقه توسط جت های طالبان مصون بمانند. سازمان ملل تخمین می زند که از هنگامی که نیروهای طالبان دشت شمالی را اشغال کرده اند، حدود ۲۰/۰۰۰ تن زن و کودک از خانه هایشان بیرون رانده شده اند. تعداد آوارگان جنگ بین ۹۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰ نفر گزارش شده است. در طول جنگ، این برای اولین بار است که دهکده ها از سکنه آن تخلیه شده اند. رانویکا کوماراسوامی، نماینده ویژه سازمان ملل و مسئول تحقیق در مورد خشونت برضد زنان، پس از بازدید و گفتگو با پناهندگان گفت: «دستگیری زنان، اعدام تعدادی و جدا کردن مادران و کودکان به طرز پیگیر دنبال می شود.» رهبران طالبان، ساکنان دهکده هارا منهدم به حمایت از دشمنان خود می کنند. یک خانم افغانی به نام اوریا از دهکده چاریکار در ۵۰ کیلومتری کابل گفت: «آنها به ما گفتند، اگر از اینجا خارج نشوید ما همه چیز را آتش می زنیم، حتی لباس هایی که بر تن دارید» او متذکر شد که سربازان طالبان بی شرمانه در مورد دختران و اینکه برای آنها در جلال آباد شوهر پیدا خواهند کرد، به هرزه درایی پرداخته بودند.

نیروهای اپوزیسیون خواستار کمک بین المللی برای یاری به آوارگان حمله اخیر طالبان شده اند. ده ها هزار تن از ساکنان دهکده های منطقه شمالی یا به کابل پناه برده اند و یا در مناطق تحت کنترل اپوزیسیون در دره پنج شیر سکنی گزیده اند. یک سخنگوی اپوزیسیون، حاج محمد محقق، گفت که «گروه های امداد بین المللی و سازمان ملل باید سریعاً عمل کنند و به این مردم کمک کنند قبل از این که زمستان سخت فرا برسد و مشکلات آنها را بدشد افزایش دهد... ما از این ترس داریم که زمستان قحطی شود، زیرا که طالبان تمامی راه های رسیدن آذوقه را مسدود کرده است.» مسئولان تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر سازمان ملل بنیادگرایی طالبان را برای نقض سیستماتیک، و گسترده و غالباً رسمی حقوق زنان مورد انتقاد سخت قرار داد. رازیکا کوماراسوامی، گزارشگر ویژه سازمان ملل خواستار فشار بین المللی برای انحلال وزارت امر به معروف و نهی از منکر شد. «وزارت امر به معروف و نهی از منکر، ضد زن ترین وزارتخانه ها در سراسر جهان است.» کوماراسوامی، پس از بازدید از کشور، گفت که، در کابل تعداد فزاینده ای از زنان به گدایی مشغولند. افسردگی در میان زنان که در کنج خانه هایشان اسیرند گسترده است. او به موارد ازدواج اجباری و فحشا اشاره کرد. کوماراسوامی گفت: «من هیچ گاه ملتی را ندیده بودم که مانند مردم افغانستان زجر بکشند... وضعیت از نظر فقر، در رابطه با جنگ، در رابطه با حقوق زنان، بسیار فلاکت بار است.»

برخی از صاحب نظران معتقدند که، بدترین مشکل افغانستان وحشت فراگیرنده در میان زنان است. به آنها به مثابه «موجودات پست تر برخوردار می شود، زنان وحشت دارند که از خانه های خود بیرون بروند و این مطمئناً اثرات وحشت باری بر روان زن افغان و جامعه افغانستان باقی خواهد گذاشت.» عمق سرکوب سیستماتیک را باید در ممانعت از اشتغال، آموزش و خدمات بهداشتی برای زنان دید. یکی از نکات قابل توجه در دور اخیر درگیری های افغانستان، شرکت مستقیم پاکستان در برنامه ریزی و اجرای حملات اخیر با هدف طالبانیزه کردن تمامی خاک افغانستان است. در ده ساله اخیر استراتژی کلیدی سیاست خارجی ارتش و دولت اسلامی پاکستان کنترل افغانستان از این طریق بوده است. این حقیقتی آشکار است که پاکستان در همدستی علنی با انحصارات نفتی غربی که از طرح انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر از مسیر

مطمئنی در افغانستان به سواحل اقیانوس هند در این کشور حمایت می کنند، منافع مشخص استراتژیک سیاسی و اقتصادی را دنبال می کند. در اجلاس شورای امنیت سازمان ملل که در ۵ شهریور ماه به منظور بحث در مورد اوضاع افغانستان برگزار شد پاکستان شدیداً به دلیل حمایت از طالبان مورد انتقاد قرار گرفت. نیروهای ائتلاف اپوزیسیون ارتش پاکستان را متهم می کنند که در کنار نیروهای طالبان می جنگند. انیام الحق، سفیر پاکستان در سازمان ملل در حالی که سعی می کرد که دخالت کشور متبوعش را در درگیری های افغانستان تکذیب کند، تأیید کرد که برخی از اتباع پاکستان از مرز گذشته و در جنگ شرکت داشته اند. کامیران پرندرگاست، معاون دبیر کل سازمان ملل در امور سیاسی به شورای امنیت گزارش داد که، بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ طلبه جوان از حوزه های مذهبی در پاکستان عضوگیری شده اند. پرندرگاست خواستار پیدا کردن راه حلی صلح آمیز برای فاجعه افغانستان و یافتن جایگزینی برای جلوگیری از ادامه جنگ شد. در اجلاس شورای امنیت پیشنهاد چین مبنی برتحریم تسلیحاتی تمامی طرفین درگیری های افغانستان، از سوی پاکستان مورد حمایت قرار گرفت. اما نظر واقعی پاکستان را باید در برآفتن این کشور از پیشنهاد های اخیر روسیه برای اعمال تحریم های تنبیهی برضد طالبان در یافت. پاکستان هر گونه تنبیهی برضد طالبان را محکوم کرد و مدعی شد که این حرکت مشکلات اقتصادی مردم افغانستان را بیشتر خواهد کرد.

در روز ۵ شهریور کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل در یک گزارش کاملاً انتقادی گفت که بعضی کشورهایی که ظاهراً با سازمان ملل در جهت پایان دادن به درگیری ها کار می کنند، در عمل در جنگ شرکت دارند. عنان، تلویحاً گروه «شش به علاوه دو» را زیر علامت سؤال برد و گفت که گزارش های سازمان ملل حاکی از این است که نیروهای خارجی با فراهم آوردن تسلیحات و دیگر مواد، کمک به طراحی عملیات تهاجمی و شرکت در درگیری های جنگ داخلی افغانستان دارند. عنان گفت که هزاران غیر افغانی در کنار نیروهای طالبان در درگیری های نظامی شرکت دارند.

سازمان ملل متحد همچنین از این حقیقت که، افغانستان زیر حاکمیت طالبان به اصلی ترین منبع تولید مواد مخدر در جهان تبدیل شده نگران است. منابع سازمان ملل در ۲۸ شهریور ماه فاش کردند که تولید تریاک در افغانستان بررغم تهدات طالبان به جلوگیری از آن، در مقایسه با سال گذشته، ۶۰ درصد افزایش یافته است. سازمان بین المللی کنترل مواد مخدر، که مرکز آن در وین است، اخیراً در گزارش سالیانه خود فاش کرد که تولید تریاک خام افغانستان در سال ۱۹۹۹ حدود ۵۰۰۰ تن، یعنی بیشتر از دو برابر از محصول پارسال، که ۲۳۰۰ تن بود، می باشد. افغانستان در حال حاضر ۷۵ درصد تریاک جهان را تولید می کند. عواید تولید تریاک از عمده ترین منابع تامین هزینه های عملیات جنایتکارانه طالبان است. مردم و نیروهای ترقی خواه افغانستان، نیروهایی، را که در دوران حاکمیت دولت دموکراتیک خلق مستقیم و غیر مستقیم در توطئه های امپریالیسم آمریکا برضد مردم افغانستان شرکت داشتند و عملاً شرایط ایجاد وضعیت کنونی را بوجود آورده اند، مسئول مصیبت های خود می دانند.

توضیح اینکه چگونه «مبارزان آزادی بخش» مورد حمایت امپریالیسم تحت پرچم مبارزه با کمونیسم، آینده افغانستان را تپاه کردند و حکومت جهل و جنایت کنونی را پایه گذارده اند به عهده آنانی است که با رگ گردن های برآمده در دفاع از شریعت و مذهب هرگونه عمل جنایت کارانه ای را توجیه می کردند. مسئولیت اینکه تولید عمده تریاک و هروئین در جهان اکنون ریشه در افغانستان دارد و اکثر جنبش های تروریستی اسلامی در افغانستان پایگاه دارند و از این کشور سرچشمه می گیرند به عهده امپریالیسم جهانی و کشورهای ارتجاعی و از جمله جمهوری اسلامی ایران است، که در تعقیب اهداف برتری طلبانه و دگم های ایدئولوژیک خود منافع مردم افغانستان را فدا کردند.

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:568**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

11 October 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۲۹ -

**حساب بانکی ما:**

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک





**خامنه ای و مرز «دشمن» و «خودی» ها**

بر اساس گزارش، روزنامه «عصر آزادگان»، دوشنبه ۲۶ مهرماه ۱۳۷۸، عگر اولادی، از منفورترین چهره های رژیم و از سرکردگان جناح «ذوب در ولایت»، در سخنانی در جمع «امدادگران کمیته امام» در مورد مرز «خودی» و «دشمن» از جمله گفت: «در توفیق دیداری که اخیراً به اتفاق دیگر تشکل های اسلامی با مقام عظمای ولایت داشتیم، معظم له فرمودند که هرکس چهار اصل را قبول داشته باشد خودی است: اول دین مبین اسلام، دوم نظام مقدس جمهوری اسلامی، سوم حضرت امام و چهارم ولایت فقیه و رهبری.» بر اساس همین گزارش عگر اولادی در همین سخنان همچنین افزود که: «از رهنمود های مقام معظم رهبری این گونه استنباط می شود که گروه ها و جناح های داخلی نظام مرزهای غیر واقعی را بین خود پررنگ کرده اند و مرزهای واقعی با دشمنان اسلام و نظام کمرنگ شده است.»

**وزارت کشور بالاخره کشتار مردم سنندج را تأیید کرد**

بر اساس گزارش روزنامه خرداد، ۱۶ مهرماه، وزارت کشور جمهوری اسلامی سرانجام پس از سکوتی طولانی به وقایع خونین سوم اسفندماه ۱۳۷۷ سنندج که طی آن ده ها نفر از هم وطنان کرد کشته شدند، اعتراف کرد. بر اساس همین گزارش موسوی لاری، وزیر کشور، در جریان پاسخ به پرسش های بهاء الدین ادب، نماینده مجلس، از جمله خاطر نشان ساخت: «... در جریان تجمع سوم اسفندماه ۱۳۷۷، در سنندج به خاطر حمایت از عبدالله اوچالان، نیروهای انتظامی و نظامی به روی مردم آتش گشودند و تعداد زیادی را کشته و مجروح ساختند. ما متوجه شدیم دست هایی می خواهد مساله را به مساله مردم و ایران تبدیل کند... سه تا چهار هزار نفر در آن تجمع غیر قانونی سنندج حضور داشتند و از همان لحظه اول معلوم بود آنچه

ادامه در صفحه بعد

**گزیده ها**

• حزب توده ایران حق حیات را حق طبیعی و خدشه ناپذیر انسان می داند، و خواهان لغو مجازات اعدام در قوانین جزایی کشور است.  
 • حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی است، و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند.  
 • حزب توده ایران خواهان اجرای بدون قید و شرط منشور جهانی حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن از طریق ایجاد نهاد مستقلی با شرکت نمایندگان سازمان ها، احزاب، و گروه های سیاسی و صنفی کشور است.  
 • تأمین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد ۱۶ سال به بالا و حق انتخاب شدن برای کلیه افراد ۲۵ سال به بالا، صرفنظر از جنس، نژاد، مذهب، اندیشه، ملیت، سواد و شغل.  
 • حزب توده ایران معتقد به تضمین مشارکت واقعی سازمان های مستقل و صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان در اداره مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش تولیدی، اداری و خدمات کشور است. بر این اساس حزب توده ایران خواهان شرکت نماینده مستقیم کارگران در مدیریت صنایع، واحدهای تولیدی کشور، وزارت خانه ها و نهادهای رسمی دولتی است.  
**از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب**

**نامه مردم**  
**ازگان مرکزی حزب توده ایران**

**ضمیمه ۵۶۸، دوره هشتم**  
 سال شانزدهم، ۲۷ مهرماه ۱۳۷۸

**نامه ۲۴۰ روشنفکر، حقوق دان، نویسندگان و هنرمندان برای خاتمی**

۲۴۰ نفر از روشنفکران، حقوق دانان، نویسندگان و هنرمندان میهن، که در میان آنان اسامی سیمین بهبهانی، علی اشرف درویشیان، فریبرز رئیس دانا، عزت الله سبحانی، احمد صدر حاج سید جوادی، شیرین عبادی، کاظم کردوانی، علی اکبر مین فر به چشم می خورد، با ارسال نامه ای به محمد خاتمی، نگرانی خود را از اوضاع کشور اعلام کردند. در این نامه ضمن اعتراض به احکام اعدام صادر شده برای چهار تن از فعالان جنبش دانشجویی از جمله می خوانیم: «همه ما واقمیت جریان دانشجویی را با گوش و چشم و اندیشه شنیدیم، دیدیم و درک کردیم. همه ما گزارش کمیته تحقیق را که متأسفانه با برخی چشم پوشی ها و در نهایت احتیاط سخن گفت خواندیم... آنچه باید به طور عاجل انجام می گرفت دستگیری و محاکمه عادلانه و علنی مهاجمان و رهبرانشان بود. اما اکنون حتی گزارش همین کمیته تحقیق از سوی ریاست دادگاه استان تهران نفی می شود. اکنون ماجرا وارونه شده و دست هایی دیگر دراز می شوند تا دنباله مأموریت جوخه های مرگ موسوم به محفلی را علیه دگراندیشان و منتقدان سیاسی و نویسندگان آزاد این سرزمین به انجام برسانند.» نویسندگان نامه در پایان نامه می نویسند: «آقای رئیس جمهور تا دیر نشده است با استفاده از اختیارات قانونی و قدرت مردمی خود کاری کنید که از کشاندن غیر قانونی منتقدان و داد خواهان به دادگاه و محکوم کردن آنها و تعطیل روزنامه ها از لوث کردن مسئولیت آمران و عاملان سرکوب و تضییع مزورانه حقوق مردم جلوگیری به عمل آید و اگر چنین نشود مهم ترین سرمایه یعنی حمایت مردم از دست خواهد رفت.»

**یورش جدید ارتجاع برای تسخیر «سنگر» انتخابات مجلس**

تحولات روزهای اخیر میهن ما بار دیگر بر این ارزیابی چندین ساله حزب ما مهر تأیید زد که ملاک نه حرف و ادعاهای رنگارنگ سران ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» بلکه عملکرد آنان در صحنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. چند روز پس از سخنان فریبکارانه «ولی فقیه» و فراخواندن جناح های گوناگون رژیم به وحدت عمل، جناح «ذوب در ولایت» یورش وسیع و گسترده ای را برای سرکوب هرگونه صدای منتقد و معترض آغاز کرد. فراخواندن عبدالله نوری به دادگاه ویژه روحانیت، و ادعای نامه ۴۴ صفحه ای دادستان این دادگاه، احتمال جدی بسته شدن روزنامه خرداد، و خطراتی که سایر روزنامه های منتقد را تهدید می کند، از جمله بارزترین نمونه این کارزار گسترده نوین است که عمده ترین هدفش خاموش کردن صداهای مخالف در «اردوگاه خودی ها» پیش از برگزاری انتخابات مجلس ششم است. مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی ضمن اعتراض به محاکمه عبدالله نوری و در پاسخ به این سوال که آیا محاکمه عبدالله نوری با انتخابات مجلس ششم ارتباط دارد، گفت: «این مسایل بدون ارتباط با یکدیگر نیستند»

ادامه در صفحه ۲

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

## ادامه رویدادهای ایران

سئولان حدس می زدند درست است... بنده اعتقاد دارم مردم کرد به خصوص مردم انقلابی سندج باید مسأله خود را از چند نفر آشوب طلب جدا می کردند...»

اعتراف وزیر کشور رژیم «ولایت فقیه»، گویا و روشن است. به دستور شورای عالی امنیت ملی به روی مردم بی دفاع و غیر مسلح کرد آتش گشودند و شمار زیادی را کشته و زخمی برجای گذاشتند و امروز نیز با کمال بی شرمی از این اعمال جنایت کارانه خود دفاع می کنند.

## فرمانده ستاد سرکوب

بر اساس گزارش رسانه های جمهوری اسلامی، از سوی فرمانده سپاه پاسداران، پاسدار حسین نجات، به عنوان فرمانده و پاسدار محمد کوثری، به عنوان جانشین قرارگاه فرماندهی ثارالله برگزیده و معرفی شدند. قرارگاه ثارالله که توسط سپاه پاسداران ایجاد شده یکی از مهم ترین و حیاتی ترین مراکز تصمیم گیری در مواقع بحرانی و شرایط غیر عادی در مورد شهر تهران است. روزنامه های وابسته به جناح «ذوب در ولایت»، گزینش فرماندهان این قرارگاه را امری خطیر و بسیار مهم در اوضاع کنونی کشور ارزیابی کردند.

## کاهش قدرت خرید کارمندان

با توجه به روند صمودی نرخ تورم و مصوبات مختلف هیأت دولت، قدرت خرید کارمندان کشور پیوسته در حال سقوط است. به گزارش «ایرنا» خبرگزاری جمهوری اسلامی، دولت برای سال جاری تنها ۱۱ درصد به حقوق کارمندان افزوده است. با توجه به میزان تورم در شش ماهه نخست سال ۱۳۷۸، قدرت خرید کارمندان به طور واقعی بیش از ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

## کارگران و ۱۲ ساعت کار روزانه

بر اساس گزارش مسئولین «خانه کارگر»، در پی تشدید بحران اقتصادی و تشدید فشار کمر شکن به کارگران برای تأمین زندگی، کارفرمایان با سوء استفاده از اوضاع، کارگران را وادار به بیش از ۸ ساعت کار در روز می کنند. بر اساس همین گزارش، ۵۴ درصد از کارگران ایرانی روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار می کنند. کار کمتر از ۱۲ ساعت کفاف همیشه خانواده های کارگری را نمی دهد. سطح پایین دستمزدها و منابرت آشکار تنظیم میزان حداقل دستمزدها با نرخ واقعی تورم از سوی دولت، مشکل بزرگ زحمتکشان در حال حاضر است.

## ادامه یورش جدید ارتجاع برای ...

وی همچنین در مورد نتیجه این محاکمه افزود: «درباره نتیجه محاکمه ایشان زیاد خوش بین نیستم.»

عبدالله نوری نیز، روز سه شنبه ۲۰ مهرماه، در جریان سخنرانی، در جمع دانشجویان شهر کرد ضمن اشاره به اینکه محافظ کاران به صورت جدی مشغول برنامه ریزی هستند، گفت: «اقلیتی که امروز بسیاری از امکانات را در اختیار دارد به صورت جدی مشغول برنامه ریزی هستند. بنابراین مردم و مخصوصاً قشر دانشگاهی و جوان ما باید روی این موضوع حساسیت بالایی را داشته باشد و مسأله را پی گیری کند.» نوری در افشای ربط پرونده اش با مسأله انتخابات مجلس ششم افزود: «من به یکی از آقایان که پرونده مرا تنظیم می کند گفتم... مجلس قانونی گذاشته که من نتوانم مجلس بروم. گفت: آن چیست؟ گفتم قبلاً ماده ای تصویب شده بود که اعضای شوراها باید چهارماه قبل استعفا می دادند. در حالی که طبق مصوبه جدید که زمان بررسی صلاحیت را از ۳۹ روز به ۶۰ روز افزایش یافته عملاً این زمان ۳ ماه می شود و بنابراین ما نمی توانیم وارد مجلس شویم. تا من این مطلب را گفتم او گفت: عجب پس دیگر لازم نیست پرونده ای داشته باشید... علی حکمت، سردبیر روزنامه خرداد، نیز در گفت و گویی با رادیو بی.بی.سی، در همین زمینه اشاره کرد: «بمد از استعفای آقای نوری از ریاست شورای شهر تهران احتمال کاندیداتوری ایشان یا آمادگی ایشان برای کاندیداتوری مجلس ششم و امکان آوردن رأی بسیار بالا برای مجلس وجود دارد. فکر می کنم که آقایان در دادگاه ویژه روحانیت به این فکر افتاده اند که در حقیقت یک نوع مانع قانونی در برابر این روند ایجاد کنند.»

با توجه به اخبار دیگر، از جمله نظارت استصوابی شورای نگهبان بر روند انتخابات، این نگرانی در بین نیروهای «جبهه دوم خرداد» تقویت شده است که جناح «ذوب در ولایت» با اتکاء به اهرم های قانونی جلوی شرکت بسیاری از آنان را در انتخابات سد نماید. حزب توده ایران از ماه ها پیش ضمن اشاره به اهمیت انتخابات آینده مجلس در برنامه ریزی ارتجاع حاکم برای حفظ اهرم های اساسی قدرت سیاسی، تأکید کرد که امید بستن به مذاکره با مرتجعان و «قانع» کردن آنها برای قبول حق شرکت نامزدهای منتقد و مستقل با توجه به تجربیات گذشته نمی تواند زمینه های واقعی تحقق داشته باشد.

تجربه انتخابات شوراها و عملکرد هیأت نظارت بر انتخابات شوراها نشان داد که رژیم تنها زیر فشار خرد کننده توده هاست که حاضر به عقب نشینی خواهد شد و نه «رایزنی های بین جناحی». مجلس به عنوان کانون قانون گذاری کشور، مرکز بسیار حساسی است که ارتجاع حاضر نیست توازن نیرو در آن را به نفع هیچ نیروی دیگری بپذیرد. یورش به نامزدهای سرشناس طرفدار «جبهه دوم خرداد»، در کنار کارزار سازمان یافته برای بستن روزنامه هایی که می توانند در جریان انتخابات به برنامه جناح «ذوب در ولایت» لطمه وارد کنند، بی شک در هفته ها و ماه های آینده تشدید خواهد شد. هدف همان طوری که قبلاً هم اشاره کرده ایم حفظ «نظام» استبدادی حاضر به هر قیمتی است. رهبران رژیم «ولایت فقیه» می دانند که باید از هم اکنون «سنگر» انتخابات ششم را تسخیر کرد و اجازه نداد تا اراده مردم در جریان انتخابات مجلس ششم اعمال شود.

تنها راه مبارزه با این توطئه شوم ارتجاع اتکاء به نیروی مردمی و تجهیز نیرو در جامعه برای مقابله با این برنامه های سرکوب گرانه است. ارتجاع بی شک خواهد کوشید با تطمیع نیروهای متزلزل و فرصت طلبی همچون «کارگزاران سازندگی»، ضمن ایجاد شکاف در نیروهای ائتلاف «دوم خرداد» توان مقابله این نیروها را با این برنامه تحلیل برد. تا آنجا که به نیروهای مترقی مربوط است، مردم میهن ما خواهان برگزاری انتخاباتی هستند که بتوانند در آن به نامزدهای خود رأی بدهند و نه نامزدهایی که شورای نگهبان رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» برای آنان تعیین کرده است.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 568

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

19 October 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse